



روحانی خطاب به منتقدان:

از برجام خارج می‌شدیم همه هزینه‌ها با ما بود

گروه سیاست: دولت آمریکا مدت‌زمانی است که می‌کوشد «مکانیسم ماشه» را علیه ایران و برجام فعال کند، شنبه نیز پیش‌نویس تمدید تحریم‌های تسلیحاتی را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کرد که تنها دو‌مینیکن به آن رأی مثبت داد...

صفحه ۲

پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۹ • ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۲۰ آگوست ۲۰۲۰

تترها

پرداخت پاداش مدیران به خودشان

صفحه ۵

افشاگری یامین پور و رنجبران علیه هم

صفحه ۳

عذرخواهی پرویز فتح از حدادعادل

صفحه ۳

تقلب کنکور زیر چتر کرونا

صفحه ۹



کلاه گشاد سوئسی بر سر ایران؟

صفحه ۱۱

حرف اول

آشفشانی که زود خاموش شد

مهدی افشار - پژوهشگر



چهره‌ها در شاهنامه، در ادامه بررسی روزگار جهان‌پهلوان رستم دستتان، این‌بار ماجرای بداندیشی کاووس علیه او را بررسی می‌کنم. با برخورد نابخردانه کاووس با گو پیلتن و فرمان او که رستم سستی ورزیده بود، رستم به خشم و قهر درگاه کاووس را ترک می‌کند و به فریاد می‌گوید: «زین پس مرا در ایران نخواهید دید، همه اقلیم زمین از آن شما و یک پر کرس، مر بس». پهلوانان و نزدیکان کاووس چون خشم و قهر رستم را بدیدند، سخت نگران شدند، زیرا رستم به‌راستی شایان بود و آنان همه رمه. آنان به گودرز پناه بردند و گفتند این جام که بشکسته تنها به دست تو درست خواهد شد و سپهبد رستم جز از تو، از دیگران سخنی نشنود و هرگز سخن تو را نادیده نخواهد گرفت. ابتدا په نزد این شهبرار زودخشم نابخرد برو، او را آرام گردان و از کاووس بخواه که به هر ترتیب شده، خواستار بازگشت رستم شود.گودرز به نزد کاووس رفت و گفت: «مگر آن پهلوان بزرگ چه کرده است که این‌گونه بر آسمان غبار افشاند‌های، آیا حادئه تلخ هاماوران و اسارت در مازندران را فراموش کرده‌ای؟ این چه سخنی است که رستم را زنده بر دار کنیدی. این گزافه‌گویی‌ها از شاه رو است، اگر او برود و آن یل تورانی که سهراب خوانده می‌شود، به ایران روی آورد، چه کسی قرار است در برابر او بایستد. امیدوارم این جسارت را بر من ببخشایند کسی که پهلوان رزمنده‌ای چون رستم را بیازارد، فاقد خرد است».کاووس چون سخنان گودرز را بشنید و دریافت آنکه اورنگ شهبزاری را پایدار نگاه داشته، رستم بوده است، از سخن خود شپمان شد و از اینکه بی‌سبب این‌چنین به خروش آمده، خود را سرزنش کرد و در درون با خود اندیشید شاه باید مرد خرد باشد که تیزی و تندی نشانه بی‌خردی است و به گودرز گفت: «هرچه می‌توانی بکن و هرچه به مصلحت می‌دانی بگو تا آتش خشم در رستم فروشنیند و او را از رفتن باز دار تا در اینجا آرام گیرد و آرزو چون کاووس را به راه درست رهنمون شد، شتابان به نزد رستم رفت و دیگر سران نیز او را همراه شدند و رستم را بسیار ستودند و آرزو کردند جاودان بماند و همچنان روانش روشن باشد و به نوازش گفتند: «جهان سراسر زیر پای توست و جایگاهت پیوسته در کنار تخت شهبازان.

ادامه در صفحه ۲

شرق

روزنامه

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با دستیار سابق شورای امنیت ملی آمریکا

ترامپ پیروز هم با تهران مذاکره نمی‌کند

صفحه ۸

موقعیت ترامپ به دلیل سیاست داخلی وخیم است نه سیاست خارجی

دموکرات‌ها به این باور رسیده‌اند که با احیای برجام دنیا جای امن‌تری است

بایدن برای برگشت به برجام با مخالفت‌های گسترده‌ای روبه‌روست

دولت بایدن باید به امارات و عربستان برای مذاکره با ایران فشار بیاورد



سید حسن خمینی در راه پاستور؟



صفحه ۳

یادداشت

ایران مقابل تصویر آمریکای ترامپ یا بایدن؟



داوود هر میداس باوند استاد روابط بین‌الملل

پیروزی احتمالی نامزد رسمی حزب دموکرات، یعنی جو بایدن، در آمریکا با آغاز تلاش برای بازگشت به دستاوردهای دولت اوباما توأم خواهد شد. دموکرات‌ها تلاش می‌کنند رویکرد آمریکا در حوزه بین‌الملل را که در چهار سال گذشته و با شیوه‌های خارج از عرف دونالد ترامپ با چالش‌های جدی مواجه شده است، تغییر دهند. روابط ایران و آمریکا در سال‌های پس از انقلاب همواره با فرازوفرودهای جدی روبه‌رو بوده است. در دوران زمامداری دموکرات‌ها احتمال کاهش مناقشات و حتی نوعی از نرمش و میل به مذاکره در طرفین دیده شده و به نظر می‌رسد این‌بار در صورت حضور جو بایدن، از سوی دو طرف جدی‌تر گرفته می‌شود، چراکه سطح تنش و درگیری به حدی بالا رفته که شاید یک‌بار برای همیشه نیازمند تعدیل باشد. احتمال می‌رود ایران این‌بار از فرصت به‌وجودآمده استفاده کند و در برخی مواضع قابل تعدیل، نرمش‌هایی نشان دهد. می‌دانیم در گذشته فرصت‌های بهتری برای کاهش آسیب‌های آمریکا نسبت به ایران وجود داشت که از اغلب آنها استفاده صحیحی نشد. شکست احتمالی ترامپ در انتخابات آبان‌ماه ریاست‌جمهوری فرصت مناسبی برای کاهش منازعات ایران و آمریکا است و باید آن را مغتنم شمرد. البته کنگره آمریکا نیز تلاش می‌کند خود را با نتیجه انتخابات همسو کند. در شرایط کنونی بحران کرونا و همچنین چالش‌های اقتصادی جامعه آمریکا در اولویت‌های نخست آمریکایی‌ها قرار دارد. دولت دونالد ترامپ و شخص او نمره قبولی در بحران کرونا دریافت نکرده و شرایط ترامپ مطلوب نیست. او البته به‌دنبال این است که جایگاه خود را در بین مردم آمریکا و افکار عمومی جهان تثبیت کند.

باوجوداین، مردم آمریکا سیاست‌ها و رویکردی ترامپ را به‌صورت سود و زیان اندازه‌گیری می‌کنند و نظرسنجی‌های اخیر حاکی از آن است که آنان به چشم‌انداز آینده برنامه‌های ترامپ با شک و تردید و حتی بدبینی می‌نگرند. ترامپ تلاش می‌کند از مزیت روان‌شناسی این نکته را به مردم آمریکا القا کند که اغلب برنامه‌های او موفق بوده و مردم آمریکا می‌توانند به قدرتمندی بیشتر آمریکا با رهبری ترامپ امیدوار باشند. در این بین، ایران می‌تواند در برخی از زمینه‌ها نسبت به حل بحران کنونی با آمریکا انعطاف بیشتری از خود نشان دهد و به شکلی رفتار

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

فرهنگ خیریه‌ای وابسته به دولت و خطرات آن



حمید شجاعی تحلیلگر مسائل اداری

در یک یا دو هفته اخیر اظهارات آقای فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، درباره تصرف اموال این نهاد توسط برخی سیاستون و بازبس ندادن آن بازتاب‌ها و واکنش‌های متفاوتی را در سطح جامعه و همچنین اشخاصی که این امسلاک را در اختیار گرفته‌اند، به وجود آورده است. به‌علاوه این موضوع دستمایه تحلیل‌ها و ارزیابی‌های بسیاری از فعالان سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای شده و هرکدام از زاویه‌های بررسی آن پرداخته‌اند. در این یادداشت فارغ از اینکه انگیزه‌ها و انگیزه‌های مطرح‌شده در این موضوع چه بوده و چه نتایج، ثمرات و تبعاتی برای طرفین ماجرا به‌دنبال داشته باشد، به خطرات دولت‌سازبودن خیریه‌های عمومی پرداخته است.

گرچه سازمان‌های خیریه و مردم‌نهاد از قدمت و تاریخ طولانی برخوردارند، اما در قرن اخیر به‌دلیل ضعف، ناتوانی و کاهش نقش دولت در پرداختن به یک‌سری از امور عمومی و رفع نیازهای گوامج و همچنین کوتاهی و تمایل‌نداشتن بازار در ورود به بخش‌هایی که جنبه سودآورانه ندارد، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه متعددی با هدف رفع درد و رنج مردم به میدان آمده و وارد عرصه فعالیت عمومی شده‌اند. به بیانی وضعیت جهان امروز و بروز مسائل مختلف برآمده از آن مانند جهانی‌شدن و سیاست‌های توسعه‌ای خاص، درحاشیه‌ماندن برخی گروه‌ها و هویت‌ها، مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی، همراه با کاهش نقش دولت‌ها و ناتوانی آنها در حل مسائل با بی‌توجهی به این‌گونه موارد، فعالان جامعه مدنی و تشک‌های داوطلب را به‌عنوان نیروی مؤثر به صحنه آورده و پیگیری مطالبات اجتماعی کرده است. این‌گونه سازمان‌ها در پاسخ‌گویی به بسیاری از مشکلات دنیای مدرن و پیگیری خواسته‌ها و مطالبات اقشار مختلف، کمک به توسعه پایدار و ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت در توسعه، توانایی زیادی دارند و در واقع رکن سوم جامعه را تشکیل می‌دهند. مشخصه اصلی اینس تشکل‌ها در «غیردولتی»، «غیرانتفاعی» و «غیرسیاسی» بودن آنهاست؛ بنابراین این تشکل‌ها به‌دلیل برخورداری از ویژگی‌های برجسته‌ای مانند داوطلبانه‌بودن، وابستگی‌نداشتن به دولت و غیرانتفاعی بودن و همچنین توان کافی در شناخت نیازهای گروه‌های هدف (به‌ویژه افراد فقیر و کم‌توان)، بالابودن انگیزه خدمت، دانش و اطلاعات تخصصی، حرفه‌ای بودن و داشتن سرمایه اجتماعی

ادامه در صفحه ۴

رئیس قوه قضائیه:

دادسراها مو را از ماست بکشند

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه در دیدار با شورای معاونین دادسرای عمومی و انقلاب تهران، دادستان‌ها و دادیاران را «سرداران لشکر قضائی عدالت‌طلب و تحول‌خواه» معرفی کرد که ارتباط راهبردی مستمری با موضوع امنیت و فرایند دادرسی...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۹۷ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

نه فقط تاج دیگران هم خسارت بدهند

کامبیز نوروزی - حقوق‌دان



بعد از افتضاح محکومیت فدراسیون فوتبال ایران به پرداخت شش میلیون و ۱۳۷ هزار یورو، معادل ۱۴۰ میلیارد تومان به مارک ویلموتس، مربی چندماهه فوتبال ایران، می‌گویند باید مهدی تاج که این قرارداد را امضا کرده است، این پول را بپردازد. این قرارداد هزار و یک مسئله دارد و پر از اشتباه است. هیچ مدیر متعهد و آگاهی چنین قراردادی را امضا نمی‌کند که فقط برخی اشکالاتش این باشد که مربی پروازی باشد، به‌راحتی بتواند خودش برود، هروقت خواست باید، حق فسخ راحت قرارداد را داشته باشد، حتی با وجود اینکه خودش استعفا داده با هم بتواند غرامت بگیرد و... و پول بیشتر درآورد.وقتی چنین رای سنگینی صادر شده است، یعنی قرارداد جای دفاع برای ایران نداشته است. هیچ متخصص درست و حسابی حقوق قرارداده‌ها چنین شرایطی را تأیید نمی‌کند. به‌رحال بی‌کفایتی‌های مربوط به این قرارداد که مهدی تاج پذیرفته و امضا کرده، آشکار است. در ظرایف حقوقی این بحث که رئیس سابق فدراسیون فوتبال چگونه مسئول جبران خسارت ناشی از محکومیت ۱۴۰ میلیاردی ایران در فیفاست، فعلا وارد نمی‌شوم. اما نمی‌توان این مسئولیت را فقط برای او به اجرا درآورد. به سایر محیط‌های فوتبالی و غیرفوتبالی هم باید توجه کرد.

۱- ماجراهای فدراسیون فوتبال فقط همین یک پرونده نیست. چندین پرونده دیگر وجود دارد که در آنها فدراسیون محکوم شده است. در تمام آن پرونده‌ها هم مشکل مدیریتی و حقوقی فراوان وجود داشته است. حالا ارزش ریالی پرونده ویلمتوس به‌دلیل افزایش نرخ برابری ارز به عدد شگفت‌آور ۱۴۰ میلیارد رسیده است. اگر این رای مثلا شش-هفت ماه پیش صادر می‌شد، معادل ریالی این محکومیت کمتر از اینها بود. اینکه مبلغ محکومیت ایران در پرونده ویلموتس به این حد چشمگیر است، نباید موجب شود سایر قرارداده‌ها و کارهای فدراسیون فوتبال زیر این خبر سنگین پنهان بماند و فراموش شود. مشکل بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر و بزرگ‌تر از پرونده ویلموتس است.

۲- فرایند انتخاب یک مربی و عقد قرارداد با او مدیریت کارهای آن مربی قطعا یک کار فردی نیست. ستولان دیگری در آن فدراسیون هم حضور دارند و در موردش تصمیم می‌گیرند. تکلیف آنها چه می‌شود؟ آیا آنها میرا هستند؟ خیر.

۳- افتضاح قراردادهای خارجی در فوتبال ایران محدود به فدراسیون فوتبال نیست. در همه این سال‌ها اوضاع باشگاه‌ها هم از این جهت خراب است. خیلی از حدود ۵۰ پرونده که الان علیه ایران جریان دارد و نیز در پرونده‌های قبلی که با محکومیت ایران خاتمه یافته است، محصول مدیریت‌های ناشایست در باشگاه‌هاست. این خرابی در سیستم حاکم بر فوتبال ایران است. این پرونده‌ها آبروی کشور را در سطح بین‌المللی به بازی گرفته‌اند. بدون کشف حقیقت در عملکرد قراردادهای خارجی باشگاه‌ها، کشف حقیقت در مورد عملکرد فدراسیون در قراردادهای خارجی به جایی نخواهد رسید. آنها را چه می‌کنید؟ اگر با آنها هم مثل مهدی تاج برخورد نشود.

۴- اگر مدیری سبب بروز خسارت به اموال عمومی می‌شود باید مسئولیت داشته باشد و جبران خسارت کند. مدیریت رایج در ایران تقریباً هیچ مسئولیتی برای مدیرانی قائل نیست که برائت ناشایستگی و رعایت‌نکردن ضوابط و قواعد حرفه‌ای و «تقصیر» اموال عمومی را مضمحل می‌کنند و باعث خسارت عمومی می‌شوند. می‌آیند، زبان می‌زنند، می‌روند. تقریباً کمتر عرصه مدیریتی در ایران وجود دارد که در آنها مدیرانی با بی‌کفایتی قراردادهای زینابری امضا نکرده باشند که منجر به زیان‌های سنگین مالی به اموال عمومی یا حتی محکومیت در محاکم داخلی یا خارجی نشده باشد.

سودهای رانتی و غیررانتی مدیریتش را می‌برند، مسئولیت حقوقی و حتی اخلاقی هم نمی‌پذیرند. بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی ایران محصول عملکرد همین نوع مدیران است. در این موارد خسارات وارده به اموال عمومی را مدیرانی باید بدهند که با عدول از اصول و ضوابط و نظامات سبب این زیان‌های خانمان‌برانداز شده‌اند. از وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها تا شرکت‌های دولتی و هزارجای دیگر...

این کار را بکنید؛ از قرارداد ویلموتس با فدراسیون فوتبال و مهدی تاج شروع کنید و در بقیه موارد ورزشی و غیرورزشی پیش بروید.